

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

شکست ۱۹۳ میلیارد دالری و ایجاد کمین گاهای جدید موجودیت اختلافات اساسی میان بایدن و جنرال‌های امریکایی شکل بندی گسترده "گروه‌های جنایی سازمان یافته" در کشور

از ایجاد بی نظمی و هرج و مرج باید جلوگیری بعمل آید
آیا لگام زدن تشدید وضعیت امکان پذیر می باشد؟
تلاش بمنظور جلوگیری از تشدید بحران در کشور
مواردی که دموکراسی بارتش بارمغان می‌آورد

با وجود گذشت بیش‌تر از ۵۰ سال از تصویب کنوانسیون‌های ژنیو ۱۹۴۹، بشریت همچنان شاهد درگیری‌های مسلحانه‌ای بوده که بر همه قاره‌ها تأثیر گذارده است. در امتداد این مدت زمانی، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنیو و پروتوکول‌های الحاقی ۱۹۷۷، حمایت حقوقی برای افرادی که در درگیری‌های مسلحانه شرکت مستقیم نداشته و یا به شرکت خویش پایان بخشیده‌اند (مجروحان، بیماران و کشتی‌شکستگان، افرادی که بدلیل مر تبیط با درگیری از آزادی خویش محروم شده‌اند و افراد ملکی) فراهم نموده‌اند. با این وجود، نقض‌های متعدد این معاهدات منجر به درد و رنج و مرگ بسیاری از افراد شده که در صورت رعایت بهتر حقوق بین الملل بشردوستانه بوجود نمی‌آمد. برآورد شده است که فقط در امتداد دههٔ پسین، درگیری‌های مسلحانه سبب از بین رفتن زندگی بیش از ۲ میلیون کودک و معلول گردیدن جسمی بیش از ۶ میلیون دیگر گشته است. این درگیری‌های مسلحانه سبب گردیده است تا کودکان از داشتن والدین، خدمات اولیهٔ اجتماعی، مراقبت‌های بهداشتی و تحصیل محروم گردند. بتعداد ۲۰ میلیون کودک، پناهنده و بیجا شده‌اند، بعلاوهٔ آن، یک میلیون کودک نیز یتیم یتیم شده‌اند. در حالی که بقیه بمثابهٔ گروگان نگهداشته شده و یا مورد داد و ستد قرار گرفته‌اند. روش ثبت تولد و نظام عدالت برای نوجوانان از هم پاشیده می‌شود. برآورد شده است که کم از کم بتعداد ۳۰۰,۰۰۰ کودک سرپاژ وجود دارند که در درگیری‌های مسلحانه شرکت می‌ورزند.

در سرآغاز بحث کنونی، خاطر نشان می‌گردد که بگونهٔ کلی در امتداد حضور ۲۰ سالهٔ نظامیان ایالات متحده در کشورما، بر مبنای منطقی که نزد نظامیان امریکایی‌ها موجود بود، به فرماندهان نظامی حاضر در میدان‌های نبرد گوشزد می‌گردید که در امر آزادسازی مناطق و محلات اشغالی نباید عجله نمایند. دونالد ترامپ در زمان ریاست جمهوری اش از فراخواندن نظامیان امریکایی تا اول ماه می سالروان خبر داد، اما پس از آن، جو بایدن رئیس جمهور منتخب ایالات متحده، برنامهٔ سلفش را تصحیح نموده و اعلام نمود که نظامیان کشورما تا ۱۱ ماه سپتامبر سالروان به ترک اراضی افغانستان مبادرت خواهند ورزید. بر این بنیاد، اول ماه می سالروان تاریخ آغاز خروج نظامیان امریکایی از افغانستان تعیین گردید. پنتاگون در امتداد جنگ و درگیری‌های مسلحانه، حتا از یک شبه پیروزی و موفقیت قابل ذکر ایالات متحده در کشورما هم نمی‌تواند سخن گوید. جو بایدن، واقعیت یادشده را پنهان ننموده و تصمیمش را اعلام نمود که زمان آن فرا رسیده تا به طو لانی ترین جنگ و درگیری مسلحانه در تاریخ ایالات متحده نقطهٔ پایان گذاشته و نظامیان امریکایی را بخانه بازگرداند. اصل درگیری‌های مسلحانه ایالات متحده در سرزمین کشورما باین دلیل زبانه‌زاد و خاص گردیده که طولانی ترین جنگ در تاریخ آن کشور محسوب می‌گردد. در مورد موقعیت پنتاگون بایست یادآور شد که عملکردهای نهاد یادشده بویژه در کشور عزیزما، یکی از فاجعه‌بارترین‌ها توصیف می‌گردد. احتما لن بهمین دلیل یادشده، ادارهٔ کاخ سپید، تاریخ ترک کامل سرزمین کشورما را تا ۱۱ ماه سپتامبر سالروان امتداد بخشید. بمنظور اکمال برنامهٔ نه چندان برجسته، بیک موقعیت مناسب و محیط مساعد نیاز می‌باشد.

در درجه نخست، بدلیل اینکه واشنگتن ناگزیر شد تا به مذاکره و تبادل نظر مستقیم با "طالب"ها مبادرت ورزد. مسأله فوق برای نخستین بار بویژه طی سال ۱۳۹۷ زمانی مطرح بحث قرار گرفت که دونالد ترامپ بوزارت خارجه کشورش هدایت داد تا راهها و وسایل نیل با آغاز مذاکره و مشوره های صلح با "طالب"ها مطالعه گردد.

در ارتباط به حاکمیت سیاسی افغانستان بگونه غیرصادقانه برخورد نموده و دولت افغانستان را مشمول مذاکرات یادشده محسوب نمود. امریکایی ها بگونه اپراتیفی و بسرعت دستور کار جدیدی را رویدست گرفته، از حل و فصل داخلی قضایای کشور ما طفره رفته و بر مناسبات منحصر بفردشان با "طالب"ها بیش از هر موقع دیگر تمرکز نمودند. برآستی که چگونگی مناسبات و ارتباطات امریکایی ها با "طالب"ها، مدت ها قبل نیز به مشاهده رسیده که غالبین تماس های غیر رسمی پنداشته شده و جز تلاش های مذبحخانه اداره واشنگتن محسوب می گردید. قابل یاددهانی پنداشته میشود که دسترسی ترامپ به تماس رسمی با مجاهدین کشور، قبل از همه بمنظور بدست آوردن برگ برنده در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، حتمی و لازمی پنداشته می شد. اما تجربه تاریخ باثبات رسانید که ابتکار عمل منفعل و پاسیف ترامپ، بگونه مشخصی در مورد، کاراً واقع نگردیده و در نتیجه بایدن با مسایل پیچیده مربوط به کشور ما مواجه گردید.

"طالب"ها در امتداد ملاقات و گفتگوها با واشنگتن در پی آن بودند تا طرف مقابل را در گفتگوها مجاب نموده و از موضع قدرت شکست دهند. بدین ترتیب، مخالفان مسلح از پذیرفتن قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان سر باز زده و حتا دولت مرکزی را نیز غیر مشروع بحساب آورده و بگونه وسیع و گسترده ای در انتظار عقب نشینی نظامیان ناتوا از اراضی کشوری باشند. ایالات متحده، تنها در امتداد ماه سپتامبر سال پسین قادر گردید تا با نماینده های دولت افغانستان که تنها بر شهرهای بزرگ تسلط و حاکمیت دارد، بدور یک میز به منظور طرح کلی ترین مسایل و موارد موجود گرد هم آمده و به نتایج قابل لمسی نایل گردند. نماینده های "طالب"ها نیز با مسأله قطع آتش و آغاز مذاکرات و گفتگوها با جانب دولت افغانستان را در صورت فراخواندن همه نظامیان خارجی از کشور توافق نمودند. اما فورمولبندی "طالب"ها به سبک شرقی بوده و نهایت گنگ و مبهم بنظر می رسد. نماینده ایالات متحده با سازمانی توافق و تعامل نمود که بیش از پیش خواهان ترک هرچه سریعتر نظامیان امریکایی از افغانستان می باشند.

در مورد ختم عملیات "آزادی پایدار"، باید علاوه نمود که در امتداد سال های پسین، هیچ نمونه ای از فعالیت ها و عملکردهای حفظ صلح ایالات متحده اصلن بنظر نمی رسد. در هر محل و کشوری که چکمه های نظامیان امریکایی بمشاهده رسیده و یا هواپیماهای جنگی آن کشور به پرواز آمده، در آنجا هرج و مرج و بی نظمی حاکم گردیده است. در مورد یادشده می توان بگونه نمونه از کشورهای عراق و لیبیا بمثابه نمونه های قابل توجهی نام برد. هیچ بنیاد و اساسی موجود نمی باشد تا پس از ۲۰ سال، مجریان عملیات نظامی و مسلحانه "آزادی پایدار" در کشور ما به نتایج قابل لمسی نایل گردیده باشند.

در امتداد سال های پسین، نظامیان امریکایی فقط و فقط بدفاع از خود پرداخته و همچنان قسمن تلاش های "طالب"ها را در میدان نبرد مسلحانه نیز عقیم نمودند. بخش های قابل توجهی از قوت های نظامی ایالات متحده در کندهار و جلال آباد تمرکز نمودند. با اینکه ایالات متحده از آمادگی های جدی و قابل توجه قوت های مسلح کشور ما در امر مبارزه علیه "طالب"ها متذکر می گردد، اما در واقعیت امر، فعالیت های یادشده در برگیرنده فعالیت های ضد تروریستی علیه شبه نظامیان مخفی پاکستانی بشمار آمده و این بگونه تصادفی نبود که چند سال قبل مرکز هدایت هواپیماهای بدون سرنشین را که سیاه قبلن در پاکستان ایجاد نموده بود، با افغانستان انتقال دهد.

با کمال تأسف که بسیاری ها معمای جامعه افغانی را ساده تلقی نموده و چنین می پندارند که امریکایی ها در شرف ترک سرزمین و اراضی افغانستان بوده و نزد آنها بمثابه خوشبینانه ترین گزینه، حاکمیت سیاسی کنونی در کشور، بیش از چند ماهی دوام نیآورده و با بدترین حالت، در نتیجه حملات برق آسای مخالفان مسلح در طول مدت زمان چند هفته از هم خواهد پاشید. "طالب"ها در وضعیت حاضر، از رهگذر برتری عددی خود نسبت با امریکایی ها اطمینان داشته و در چنین یک وضعیتی و بر بنیاد سنن شرقی، اصلن بخود اجازه نمی دهند با امریکاییها در شرایط برابر بگفتگو و مذاکره تن در دهند. بخاطر باید داشت، "طالب"ها که از یکجانب بمثابه سازمان تروریستی پنداشته می شوند، بکدام دلیل و برهانی پشتیبانی گسترده برخی از کشورها را با

خود دارند؟

ایالات متحده در عمل از حاکمیت سیاسی کنونی کشور پشتیبانی بعمل آورده و اما شواهد بیانگر آن میباشد که افغانستان و ایالات متحده با هم شرکای ناسازگار بوده کاین ناسازگاری، یکی دیگر از برگهای برنده "طالب"ها بشمار می آید. بعبارت ساده، آنها آماده و عده هر قولی به واشنگتن بوده و امریکایی ها هم با کمال ساده لوحی، مناطق و محلاتی را که ۲۰ سال قبل فتح کرده و بدست آورده اند، با جبار بطرف مقابل واگذار می نما یند. یکی از جمله دلایل اصلی چنین رویکردی، تقلیل و کاهش در مصارف نظامی و حربی اداره واشنگتن بشمار میآید. پس از اینهمه، بر بنیاد برآوردهای رسمی، جنگ ایالات متحده در کشور عزیز ما افغانستان، مبلغ ۱۹۳ میلیارد دلار از وجوه مالیه دهنده های امریکایی هزینه شده و از جانب دیگر، کشته شدن سه هزار تن از نظامیان امریکایی و صدها هزار تن از افراد و اشخاص ملکی کشور ما، واقعن تکانه دهنده می باشد.

اما نباید فراموش نمود که تاهنوز هم، وضعیت تا پایان کار همچنان نامشخص بوده و درهاله ای از ابهام قرار دارد. در آغازین روزهای ماه می سالروان ترسایی باید دورنوبتی گفتگوهای صلح در مورد حل و فصل قضا یای کشور در ستانبول بکارش آغاز می نمود. "طالب"ها اصل شرکت و سهمگیری در ملاقات و گفتگوهای یادشده را منوط به فراخواندن همه نظامیان امریکایی از افغانستان نمودند. ایالات متحده وعده سپرده بود که تا اول ماه می سال ۲۰۲۱ نظامیانش را از افغانستان فراخواند. اما چنین تاریخی به ۱۱ ماه سپتامبر سال روان به تعویق افکنده شد. در شرایط و وضعیت کنونی، سرو صداهایی از انجام حملات "طالب"ها بر مواضع نیروهای انتلاف بدلیل عدم انجام وعده های امریکایی ها بگوش می رسد. در مقابل، پنتاگون به مثابه اقدام متناسب، با موشک و بمب سخن خواهد گفت که در نتیجه، عده بیشتری از افراد ملکی مانند سال های ۱۳۹۱ - ۱۳۹۳ بخاک و خون کشانده خواهند شد.

در شرایط و وضعیت کنونی، بتعداد ۳۵۰۰ تن از نظامیان پنتاگون و در حدود ۷ هزار تن از نظامیان سایر کشور های عضو ناتو در کشور ما رحل اقامت افکنده اند. به محض اینکه هواپیماهای ترانسپورتی به انتقال و خارج نمودن نظامیان امریکایی آغاز نمایند، تعداد باقیمانده نیز بیشتر به موجودیت شان در کشور ما ادامه نخواهند داد. اما انتظار برده می شود بتعداد ۱۳ هزار تن از کارمندان شرکتهای خصوصی همچنان در اراضی کشور ما به کار و فعالیت مشغول باشند. به یقین که تعداد یادشده در شرایط منحصر بفرد و بگونه مشخصی بر فرآیندهای سیاسی داخلی کشور اثرگذار واقع گردند. با این حال، جنگجویان شرکت های خصوصی جنگی، اغلبن خویش را بمثابه تروریست ها می پندارند، بنابراین صحبت از آنها بمثابه نیروی مثبت هنوز زود می باشد. اما قابل تذکر پنداشته می شود که در وضعیت زنان بمثابه آسیب پذیرترین فشر جامعه، بویژه در شرایط پس از خروج نظامیان خارجی از سرزمین و اراضی کشور ما باید حداعظمی توجه معطوف گردد. همین اکنون، در مکاتب و محلات تدریسی مناطق تحت نفوذ "طالب"ها، اگر مسأله شرکت دختران در آن ها مطرح باشد، باید بر بنیاد تدریس جداگانه از پسران و مطابق برنامه منحصر بفرد بآموزش بپردازند. بگمان اغلب که با بازگشت "طالب"ها در حیات سیاسی کشور، آزادی های خواهران هموطن ما بر بنیاد شریعت تنظیم و اجرا خواهد گردید. نگرش تحمل ناپذیر اسلام رادیکال و مخالفت با آموزش، دهها هزار تن از هموطنان ما را ناگزیر به فرار از کشور خواهد نمود. ضرر و زیان های چنین وضعیتی نه تنها متوجه کشور ما بوده، بلکه با سرازیر شدن مهاجران بکشورهای همجوار و منطقه، آنها نیز با وضعیت نابسامانی مواجه خواهند گردید.

در امتداد سال های پسین، قاچاق مواد مخدر از کشور ما نیز همچنان ادامه داشت. اما با خروج نظامیان امریکا یی از کشور ما، وضعیت بیش از پیش از لحاظ امنیتی بدتر شده است. و سرانجام، سیاست مرزهای بسته افغان ستان برای سازمان های تروریستی خارجی، اعلام شده توسط "طالب"ها، بی اعتمادی زیادی را سبب گر دیده است. اگر بگونه نمونه، "طالب"ها در امتداد چند سال دیگر با موجودیت "دولت اسلامی"، همچنان به بقای شان ادامه دهند، باین مفهوم تلقی میگردد که آنها میتوانند نحوه عملکرد شان را با القاعده "بومی"، نیز دمساز نموده و وفق دهند.

برخی ها چنین میپندارند که ایالات متحده در حال تبدیل شدن به یکی دیگر از قربانیان "قبرستان امپراطوری ها" می باشد. در این مقطع، پرسش دیگری را نیز مطرح می نمایند که پس از فراخواندن نظامیان امریکایی به کشورشان، چه سرنوشتی در انتظار افغانستان خواهد بود؟

یادآور باید شد در حالی ایالات متحده در صدد ترک کشور ما، در صدد رها نمودن کشور و سرزمینی می باشد که

در آن منافع روسیه، چین، ایران، هند و پاکستان باهم گره خورده است. برمن راسل، فیلسوف سده ۲۰ اظهارنموده بود که پیروز جنگ، آن نیست که حق بجانب می باشد، بلکه کسی است که زنده باقی می ماند. سخنان و گفته های نامبرده با وضعیت کنونی ایالات متحده در کشورما کاملن همخوانی دارد. پس از دوده درگیری های مسلحانه، آینده کشور در هم شکسته ما، بگونه ۲۰ سال قبل، هنوز هم گنگ و نامشخص می باشد.

ایالات متحده با هزینه نمودن بیشتر از ۲ تریلیون دالر و ازدست دادن حیات بیشتر از ۲۴۰۰ تن از نظامیان آن کشور، از چه دستاوردی در افغانستان سخن خواهد گفت؟

در شرایط و وضعیت امروزی، پرسش درحول این مسأله نمی چرخد که ایالات متحده به چه نحوه ای قادر خواهد بود تا در امر نایل گردیدن با اهداف تعیین شده و دستاوردهای معین موفق گردد، بلکه در این واقعیت خلاصه می گردد که چگونه می تواند تلفات و ضررهای ناشی از حضور در کشورما را بحد اقل کاهش دهد. رئیس جمهور قبلی ایالات متحده اشتباه نمود که درصدد آن شد تا بهر دو پرسش بگونه همزمان پاسخ گوید. آنها پیشنهاد نمودند تا نظامیان کشورشان را فراخوانده و شرایط را بجلو اندازند کاجرای چنین امری اصلن قابل نظارت و کنترل نبود. خواسته ها و آرزومندی های غیر قابل دستیابی، اصل یورش بمنظور سرنگونی رژیم "طالب" ها را به جنگ دوامدار و همیشگی در کشورما مبدل نمود.

بربنیاد اعلامیه منتشره توسط اداره جوبایدن، چگونگی فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان با نحوه و طرزخروج دوره زمامداری دونالد ترامپ، از هم متفاوت می باشد. در ایالات متحده باین واقعیت معترف می باشند که بدون هیچگونه شرطی، جنگ دوامدار و پرهزینه کنونی که در افغانستان براه انداخته شده، باید خاتمه یابد. نباید فراموش نمود که با جلو انداختن تقاضا هایی که اجرای عملی آنها کمتر متصور بوده، ایالات متحده در بن بست قرار خواهد گرفت.

با بدبختی آنها، دولت افغانستان که تصمیم یادشده را بعقب انداخت، بمثابه بازیکن محلی محسوب گردید. "طالب" ها در قبال مذاکرات و گفتگوهای صلح، موضعگیری خویش را اعلام نموده و از عدم شرکت و عدم سهمگیری شان در کار مذاکرات مورد نظر یادآوری بعمل آوردند. قابل تذکر پنداشته می شود که پس از اعلامیه بایدن، "طالب" ها بیش از پیش بر مواضع قبلی شان پافشاری نمودند که در نتیجه، گفتگوهای مورد نظر به پس از ماه رمضان بعقب انداخته شد. نباید این واقعیت را از نظر دور نگاهداشت که قبل از سایر موارد، اصل استقرار صلح و امنیت پایدار به توافق و تساهل در داخل کشورما ارتباط دارد. روند وسیع کنونی حوادث و اتفاقات، آینده کشور را در هاله ای از ابهام قرار داده و کاملن نامشخص به تصویر می کشد.

عواقب چنین عدم اطمینانی در سراسر منطقه آشکار خواهد شد. کشورهای روسیه و چین درصدد آن شدند تا از موجودیت ایالات متحده در کشورما مستفید شده و از پخش و گسترش بنیادگرایی در خارج از محدوده افغانستان جلوگیری بعمل آورند. انتظار برده می شود که خروج نظامیان امریکایی از محدوده کشورما، انجام فعالیت ها و کوشش های نیروهای دیگر منطقوی را نیز مساعد و مهیا نماید که در چنین وضعیتی، متعاقبن به مشارکت فعالتر قدرت های نزدیک (از رهگذر جغرافیایی که در نظر دارند از منافع خویش محافظت نمایند)، نیاز شدیدی احساس می گردد.

در صورت ترک کشورما توسط ایالات متحده، نهادهای غیردولتی وارد منطقه گردیده و به پخش ایده ها و مفکوره های منحصر بفرد مذهبی شان مبادرت ورزیده و ساحة وسیعی از آسیای مرکزی را تحت شعاع عملکردهای شان قرار خواهند داد. مدتی قبل، دولت روسیه در عرصه آشتی، مصالحه و حل و فصل سیاسی قضایای کشورما، با اقداماتی متوسل گردید، اما باید متذکر شد که با اینحال و با توجه به حرکت کنونی، اصل دستیابی به نتیجه مطلوب دشوار بنظر می رسد.

کشور عزیزما افغانستان برای کشور چین، بویژه از نقطه نظر امنیتی و اقتصادی از ارزش فوق العاده ای بر خوردار است.

کشورما با ایالت سینکیانگ چین هم مرز می باشد، ایالتی که بگفته رهبران پکن، تحت تأثیر و اثرگذاری های تروریسم، بنیادگرایی و جداطلبی قرار دارد. در امتداد سال های پسین، چین بارزش ۷۰ میلیون دالر معاونت نظامی بدولت افغانستان در عرصه مبارزه با تروریسم بویژه در دهلیز و اخان اختصاص داد. چین می تواند با تنوع بخشیدن به توانایی هایش، "طالب" را به تقویت روابط با آن کشور ترغیب نماید. چین میتواند در بخش

استفاده و بهره برداری از امکانات انرژی به عمده ترین قدرت جهانی مبدل گردد. درچنین وضعیتی، درکشور عزیزما افغانستان، ذخایر سرشار مواد معدنی کمیاب بارزش تریلیون دالر موجود می باشد که بنحوی از انحاء، علاقمندی آن کشور را سبب خواهد گردید. امکان بسط و گسترش مناسبات چین با کشور عزیزما وجود داشته و کشور یادشده در این عرصه کوشا می باشد تا قادر به دستیابی به موارد و منابع معدنی درکشورما گردد. هر دولت و حاکمیت سیاسی آینده کشورما درصدد آن خواهد شد تا از وابستگی های خارجی بگونه ای بکاهد. انتظار برده می شود که خروج ایالات متحده از افغانستان، بنحوی بر منافع ایران تأثیرگذار خواهد بود. ثبات درکشورما، ایران را در امر دفاع آن کشور در قبال تهدید ها کمک خواهد نمود و خطرات ناشی از عملکردهای "شاخه خراسان دولت اسلامی" را بحداقل کاهش خواهد داد. اما در شرایط و وضعیت کنونی بمشکل بتوان به مساعد بودن مسیر کنونی بنفع تهران متیقن بود. از آنجایی که در وضعیت حاضر، "طالب" ها در مسیر کنونی حوادث، از دست بالایی برخوردارند، چنین پنداشته می شود که در دولت آینده کشور که پس از خروج امریکایی ها تشکیل می گردد، نیز بمثابة اثر گذارترین ها وارد میدان گردند.

با توجه به سابقه تأثیر گذاری های عربستان سعودی برکشور عزیزما بمثابة منطقه نفوذ آن کشور، موقعیت ایران را با تهدید و خطر مواجه خواهد نمود. قبل براین، در نتیجه فشارهای ایالات متحده، عربستان سعودی از پشتیبانی "طالب" ها خودداری ورزید. پس از خروج ایالات متحده ازکشورما، حفظ و تداوم چنین فشاری بعید بنظر می رسد. ایران می تواند جهت تخفیف فشارها وریات های مختلفی را در نظر داشته باشد و از جمله، حضور و موجودیت نماینده هایش را درکشورما تقویه نموده و بتعداد آنها بیافزاید.

اعلام بایدن در مورد فراخواندن نظامیان امریکایی ازکشورما، موجبات ناراحتی هند را بمثابة بازیکن منطقوی ببار آورده است. چه، کشور اخیرالذکر تصور می نماید که با چنین وضعیتی، موارد مشخصی را درکشورما از دست خواهد داد. از سال ۲۰۰۱ بدینسو، هند بمنظور تحکیم مناسبات باکشورما بارزش ۳ میلیارد دالر سرمایه گذاری نموده است. در امتداد دودهه پسین، دهلی جدید از حضور درکشورما نفع برده و از محاصره پاکستان و انصراف آن کشور از پنداشتن کشورما بمثابة عمق ستراتژییک موفق گردید. به یقین که خروج ایالات متحده ازکشورما، موقعیت هند در افغانستان را متحول خواهد نمود. انتظار برده می شود که با بقدرت رسیدن "طالب" ها، معادله کنونی نیز بنفع پاکستان متغیر گردد. اگر به گذشته ها نظر اندازیم، احتمالان که شبه نظامیان سابق کشور، توجه شان را به تحرکات کشمیر معطوف نموده و به یقین که وقایع سال ۱۳۶۸ مجدداً تکرار خواهد شد. اما این کاملن مناسب بنظرمی رسد کاز هند خواسته شود که ایالات متحده را ترغیب نماید تا شرایط عقب نشینی نظامیان را بنفع موجودیت و حضور افراد و عناصری که عوامل هند را در محافل نمایندگی های افغانستان، تعریف و عیار نماید.

با این حال، اصل تکوین خروج نظامیان امریکایی بدون توافق و موافقه حکومت آینده کشورما ممکن سبب ایجاد معضلاتی برای پاکستان گردد. بر بنیاد پیشبینی هایی، وضعیت اینچنینی بخودی خود سبب ساز درگیری های مسلحانه در افغانستان شده که امکان گسترش آن به پاکستان نیز موجود می باشد. این نه تنها شامل سرازیر گردیدن سیلی از مهاجران به پاکستان شده، بلکه شرایط را بیش از هر موقع دیگر برای قاچاق بران سلاح و مواد مخدر مساعد و مهیا خواهد نمود. بدین ترتیب پاکستان در وضعیت نهایت پیچیده و متناقضی قرار خواهد گرفت. تقویت موضع و موقعیت "طالب" ها در گفتگوها، نمایندگی از منافع پاکستان می نماید. اما از جانب دیگر می تواند منجر به بی ثباتی بیشتر اوضاع در افغانستان شده و از این طریق به منافع اسلام آباد نیز آسیب وارد گردد.

ایالات متحده آماده خروج از افغانستان بوده و تحرکاتی در زمینه نیز بمشاهده رسیده و اما آینده کشورما همچنان نامعلوم می باشد.

با حفظ وضعیت موجود، پیشبینی میگردید که مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی ممکن به شکست منجر گردد. چنین وضعیتی، با فشارهای وارده برکشورما، سبب بی ثباتی بیشتر شده و منافع منطقوی بسیاری ازکشور ها را مورد تهدید قرار خواهد داد. بدین ترتیب، قدرت های منطقوی بگونه مشخصی باید راهای خروج افغانستان از پلاتکلیفی داخلی موجود را جستجو نموده، در غیر آن، آنها خود نیز با بحران بوجود آمده پس از خروج نظامیان امریکایی از اراضی کشورما، دست و گریبان خواهند شد.

یکشنبه ۱۲ ماه ثور سال ۱۴۰۰ خورشیدی